

## نگرشی بر آثار و روش تفسیری چهارده تن از عالمان قرآنی مازندران (از قرن ۴ تا ۱۴) و نقش آنان در گسترش میراث قرآنی

سید حسین حسینی کارنامی<sup>۱</sup>

### چکیده

مازندران در طول تاریخ، مهد عالمان در عرصه‌های مختلف علمی از جمله در گستره معارف قرآن کریم بوده است. از میان عالمان طبرستان، عده‌ای به تفسیر قرآن همت گمارده و مردم را با فرهنگ قرآن آشنا کرده و مایه عظمت و شهرت دینی این سرزمین شدند. مع الوصف زندگی بسیاری از آنان بازگو نشد و آثار آنان مخطوط ماند. برخی از آثار مطبوع هم در دسترس نیست. از این رو، تحلیل محتوای آثار و به دست آوردن روش کار تفسیری آنان امری لازم و ضروری است. لکن برای یافتن این آثار و اطمینان از سرنوشت نسخ خطی و نسخ مطبوع احتمالی، لازم است که شخصیت‌های متنفذ و محققانی که برای آنان امکان مراجعه به مخازن نسخ خطی جهان اسلام میسور است، بدان همت نموده و زمینه احیا و طبع آن را فراهم سازند. بی شک گام اول در راستای اطمینان از سرنوشت آن آثار، بررسی منابع مکتوب تراجم است که این پژوهش به دنبال آن است. پژوهش حاضر بر اساس روش تحلیلی - اسنادی و با مراجعه به کتب تراجم و با هدف شناساندن و تجلیل از عالمان قرآنی و تراث انسانی و سرمایه‌های معنوی مازندران انجام شد. شناساندن این پیشینه کهن و معرفی و تجلیل از این مشاهیر، نشانه رشد و توسعه فرهنگی، احیای فرهنگ قرآنی و هویت بخشی به فرهنگ و پیشینه طبرستان است.

**واژه‌های کلیدی:** مفسر مازندران، آثار قرآنی، روش تفسیری، گسترش میراث قرآنی.

## ۱. مقدمه

مازندران در طول تاریخ، مهد عالمان در عرصه علم و ادب، فرهنگ و هنر، اخلاق و عرفان، فقه و تفسیر و... بوده است. قرآن شناسان، فقیهان، حکیمان، عارفان، شاعران، طبیبان و... ممتاز و بلند پایه ای از سرزمین طبرستان به پا خاستند که هر یک در زمان خود مایه پیشرفت و افتخار بوده اند. در این میان، عده کثیری از عالمان طبرستان به قرآن روی آورده و برای نشر معارف آن در میان مردم به ترجمه، تبیین مفردات، تفسیر متشابهات و شرح آیات قرآن همت گماردند. لکن زندگی و آثار جمعی از آنان که از شهرت بیشتر برخوردار بودند، مورد کاوش و تحقیق قرار گرفته و کتب و مقالات فراوانی درباره آنان چاپ و منتشر شد. لکن برخی دیگر از عالمان، علی رغم انعکاس حیات و آثار آنان در کتب تراجم و رجال همانند اعیان الشیعه، امل الآمل، الذریعه... به نوعی در غربت قرار گرفته و آثار آنان از حد نسخ خطی کتابخانه ها و صفحات این کتب فراتر نرفت و حیات و آثار آنان ناشناخته ماند و یا کمتر مورد کاوش قرار گرفت. شناساندن این پیشینه کهن و معرفی و تجلیل از فرزندان و مشاهیر این دیار که به ما و سرزمین ما هویت بخشیدند، نشانه رشد و توسعه فرهنگی و رسالتی بزرگ و ضروری بردوش اندیشمندان معاصر است. در باب پیشینه بحث نیز باید گفت که با جستجوی صورت گرفته، آثار مکتوب مستقل و جامع مخصوص به هر یک از آن اعلام پیش گفته به دست نیامد، تنها در ضمن کتابی هایی همانند دانشمندان و رجال مازندران اثر اسماعیل مهجوری؛ آشنایی با فرزندان بابل در سه قرن اخیر اثر عبدالرحمن باقرزاده بابل؛ آیت الله علامه حائری مازندرانی و آثار علمی درخشان او اثر حسن فضالی و مانند آن به اختصار بازگو شد. از این رو، در این پژوهش تلاش شد تا با توجه به آثار باقی مانده از آنان، تنها به وجوه شخصیت علمی جمعی از مفسران و اعلام قرآنی این سامان از قرن چهارم تا چهاردهم به بضاعت مزجات این قلم و فرصت مقال مورد پژوهش قرار گیرد. البته مفسران بزرگ و مشهور دیگری همانند محمد بن جریر طبری صاحب تفسیر طبری (متوفای ۳۱۰ق)، امین الاسلام فضل بن حسن طبرسی صاحب کتاب مجمع البیان (متوفای ۵۴۸ق)، سید حیدر آملی صاحب تفسیر المحيط الاعظم والبحر الخضم (متوفای ۷۸۷ق) و... نیز از این سامان بوده اند که به جهت شهرت و توجه فراوان به آثار و حیات علمی آنان، همچنین به جهت مجال محدود این مقاله، بدان پرداخته نشده است.

پژوهش حاضر مبتنی بر روش تحلیلی اسنادی و مفهومی است. در این راستا، ابتدا استقرایی دقیق از عناوین «مازندرانی، طبرسی، طبری، ساری، ساری، هزار جریبی، بارفروشی، آملی، تنکابنی، نوری،

کجوری، رامسری...» از طریق نرم افزار درایه النور و نرم افزار تراجم از یازده عنوان کتاب رجال و تراجم معتبر شیعی یعنی کتب معالم العلماء؛ ابن شهر آشوب مازندرانی؛ أمل الآمل شیخ حر عاملی؛ تعلیقه أمل الآمل افندی اصفهانی؛ تکمله أمل الآمل سید حسن صدر؛ تتمیم أمل الآمل شیخ عبدالنبی قزوینی؛ معجم رجال الحدیث آیت الله خویی؛ اعیان الشیعة سید محسن امین؛ مستدرکات اعیان الشیعة سید حسن امین؛ موسوعة طبقات الفقهاء آیت الله سبحانی؛ الذریعة إلى تصانیف الشیعة شیخ آقا بزرگ تهرانی؛ فهرس التراث سید محمد حسین حسینی جلالی... صورت گرفت و سپس با مراجعه به بانک های اطلاعاتی ملی از قبیل، al-Hadith، Jaame-al-Tafasir، Ahlebit Library، Teb library، Jaame-al-Tafasir، Noormag، Hawzeh.net، Magiran، طبرستان (مازندران) از قرن چهارم تا قرن چهاردهم شناسایی و استخراج شد. عالمانی همانند: فقیه، محدث و رجالی عظیم آیت الله مولی محمد علی بن محمد رضا ساروی مازندرانی (زنده قبل از سال ۱۲۰۶ق)؛ صاحب کتاب مقتل المفجعة و کتاب توضیح الاشتباه و الاشکال فی تصحیح الأسماء و الألقاب و از تلامذه علامه محمد باقر وحید بهبهانی (خوانساری، محمد باقر، بی تا؛ ج ۷، ص ۱۴۸؛ سبحانی، ۱۴۱۸ق؛ ج ۱۳، ص ۷۵۶؛ حسینی جلالی، ۱۴۲۲ق؛ ج ۲، ص ۸۱)؛ آیت الله محمد مهدی بن محمد جعفر ساروی فقیه، اصولی از شاگردان شیخ مرتضی الأنصاری (متوفای ۱۲۸۱ق) صاحب کتاب معادن الأحکام فی شرح شرائع الإسلام محقق الحلی، جامع قواعد الفقه و الأصول، دروس الأصول، جواهر الرجال، مجالس الموحّدين و جامع فضائل الأئمة (سبحانی، ۱۴۱۸ق؛ ج ۱۴، ص ۱۰۱۴)؛ فقیه ارجمند آیت الله محمد حسین بن محمد ساروی (زنده قبل از سال ۱۲۶۶ق) از شاگردان علامه محمد حسن نجفی صاحب جواهر الکلام (همان؛ ج ۱۳، ص ۷۵۱)؛ آیت الله آقا محمد رضا بن مولی محمد هادی طبرسی (متوفای ۱۱۵۰ق) (امین عاملی، ۱۴۰۶ق؛ ج ۹، ص ۲۸۲)؛ محدث، شاعر و ادیب آیت الله شیخ محمد سعید اشرف بن محمد صالح بن احمد ساروی (متوفای ۱۱۲۶ق) (طهرانی، ۱۴۰۳ق؛ ج ۱۹، ص ۳۴۴)؛ آیت الله شیخ ابوتراب بن محمد سلیم ساروی (متوفای ۱۲۳۸ق) صاحب کتاب التقریرات (همان؛ ج ۴، ص ۳۶۹)؛ آیت الله سید ابو محمد حسن بن محمد طباطبائی ساروی (متوفای ۱۳۵۱ق) صاحب کتاب تذکره الزائرین یا صدق الحور فی شرح زیارة العاشور؛ و... .

آنگاه از میان ده ها فقیه و اصولی و عارف... پیش گفته، تعداد چهارده تن از عالمان اهل مازندران که در عرصه علوم و تفسیر قرآن نقشی ایفا کرده و خدمتی به نشر و جاودانگی این اثر آسمانی داشته و دارای اثر مکتوب بوده، استخراج شد که ذیلاً بر اساس قدمت و ترتیب زمان به حیات و آثار این شخصیت های قرآنی می پردازیم.

## ۲. مفسران قرآن طبرستانی

۱-۲. شیخ ابوجعفر احمد بن محمد طبری آملی کحی: شیخ ابوجعفر احمد بن محمد بن رستم بن یزدبان (نردبان، نودبان، یزدیار و یزداد) طبری آملی، (متوفای ۳۱۳ق) صاحب کتاب غریب القرآن، مشهور به ابوجعفر نحوی طبری، اهل آمل بود که به بغداد مهاجرت کرده و در آنجا ساکن شد. فردی بصیر به عربی و حاذق به علم نحو بود. او در بغداد علم قرائت را از اساتیدی همچون نصیر بن یوسف و هاشم بن عبدالعزیز از مصاحبان علی بن حمزة الکسائی فرا گرفت. احمد بن جعفر بن سلم و عمر بن محمد بن سیف کاتب از وی روایت کرده و علم آموختند. لکن ابن ندیم در فهرست خویش، ابوجعفر نحوی طبری را در شمار علمای مکتب بصره نام برده است.

برخی در مذهب ابوجعفر تشکیک کردند؛ ولی دلایلی بر تشیع وی وجود دارد که از جمله می‌توان به تألیف کتاب «عیون المعجزات» اشاره کرد که این اثر درباره معجزات پیامبر و ائمه اطهار (ع) است. همچنین ایشان، معاصر ابن الفرات (محمد بن موسی بن الفرات) شیعی وزیر بود که ابن الفرات وی را به عنوان مؤدب و معلم فرزندش ابوالحسن به منزل خویش برد تا فرزندش را تأدیب کرده و تعلیم دهد؛ قاعدتاً ابن الفرات فرد غیر شیعی را به عنوان مؤدب فرزند خود بر نمی‌گزیند (امین عاملی، ۱۴۰۶ق: ج ۳، ص ۱۱۱ و ج ۲، ص ۳۷۷؛ خویی، ۱۴۱۰ق: ج ۲، ص ۳۳۳). علامه سید محسن امین عاملی می‌نویسد که ابوعبدالله احمد بن محمد که به او غلام خلیل نسبت داده شد، چنانچه ظاهر عبارت تاریخ بغداد نشان می‌دهد، احمد بن محمد بن غالب بن خالد بن مرداس أبو عبدالله زاهد باهلی بصری است که در میزان الاعتدال نیز با عنوان احمد بن محمد بن غالب باهلی، غلام خلیل دانسته شد. بدین جهت در اسم، کنیه، لقب، اسم پدر و طبقه و عصر حیات اتحاد دارند، الا اینکه این فرد متصف به طبری آملی نشده است. در کتاب نجاشی هم اجداد وی بیان نشد، لکن وی را متصف به طبری آملی کرد و در تاریخ بغداد او را متصف به باهلی بصری نمود. به نظر می‌رسد که منافاتی بین این عبارات نیست (امین عاملی، ۱۴۰۶ق: ج ۳، ص ۱۱۹). منظور علامه عاملی از عدم منافات این است که این دو اسم از یک نفر است و دو شخصیت نیست. همان‌گونه که آورده‌ایم وی اهل آمل و طبرستان بوده و سپس به عراق و بصره مهاجرت و نقل مکان نمود و در محضر درس دو تن از شاگردان و مصاحبان علی بن حمزه کسائی از ادبای دنیای اسلام تلمذ کرد؛ از این رو به باهلی و بصری نیز ملقب گشت.

نجاشی از اعلام علم رجال اسلامی احمد بن محمد طبری را توثیق نکرده و می‌گوید: «أحمد

بن محمد أبو عبدالله الآملی الطبری: ضعیف جدا، لا یتلفت إلیه». همچنین ابن الغضائری و علامه در الخلاصه می‌نویسند: احمد بن محمد ابو عبدالله خلیلی که به او غلام خلیل آملی طبری گفته می‌شود، کذاب، وضاع حدیث و فاسد است که التفاتی به قول وی نیست.

از رجالیان اهل سنت همانند ابن ابی حاتم الرازی و ابن حبان، احمد بن محمد بن غالب - غلام الخلیل - را توثیق نکرده و می‌گویند که وی احادیث مناکیرا از شیوخ مجهولین نقل کرده و از این رو در نظر ما محل و جایگاهی ندارد.

ولی از آن سونیز جمع دیگر از رجالیان همانند والد ابن ابی حاتم، به صلاح وی شهادت داده و بر این باور است که وی از واضعین و مفتعلین در حدیث نیست؛ زیرا اگر وی مشتهر به کذب و وضع بود، چگونه حال وی از عامه مردم پوشیده می‌ماند. برعکس وی در میان مردم دارای مکانت و جایگاه ویژه‌ای بود و به زهد و ورع مشتهر بوده که در مرگ وی بازار بغداد بسته شد و مردمی که موفق به نماز برپیکروی نشدند، بر ساحل شط دجله با ایماء به جنازه وی نماز خواندند! بزرگانی همانند اسماعیل قاضی و والد ابی مالک اشجعی از تصریح به تکذیب وی خوف داشته و در گفتن این سخن صدای خویش را پایین می‌آوردند و برای کذب وی به معاذیر پناه می‌بردند! همچنین سید ابن طاووس نیز در کتاب الیقین آورده که احمد بن محمد طبری معروف به الخلیلی دارای کتاب فضائل امیر المؤمنین (ع) است و در آن کتاب بخشی از احادیث امام علی (ع) را نقل کرده است.

به هر حال، اتفاق علماء شیعه و جمعی از علماء اهل سنت و تصریح بر تضعیف، کذب، وضع و جعل وی، حال او خالی از غرابت نیست. «حاله لا تخلو من غرابة»! إذا كانت العامة قد اعتقدت [فن] فيه الصلاح و صارت له عندهم مكانة عظيمة بسبب زهده و ورعه و تقشفه بحيث كان یقتات بالباقل صرفا و لم تلتفت إلی وضعه الأحادیث و هذا أمر ممكن لكن ذلك لا یخرج الأمر عن الغرابة فی حال هذه الدنيا و أهلها و یمکن أن لا یكون الرجل كذابا و لا وضاعا و نسب إلیه ذلك غیر أصحابنا لما رواه فی المناقب التی لا تحتمل عقولهم التصدیق بها و سری الأمر إلی أصحابنا من قبلهم؛ و لعله لم یکن له بصيرة فی الفقه فكان یتخیل جواز وضع الأحادیث فی الترهیب لترقیق القلوب و الله أعلم (همان، ص ۱۱۹).

ابوجعفر احمد بن محمد طبری دارای آثاری همچون کتاب التصریف، کتاب النحو، المقصور و الممدود، کتاب المذکر و المؤنث، صورة الهمزة، عیون المعجزات و غریب القرآن است. وی سرانجام در سال ۳۱۳ قمری دارفانی را وداع گفت (ر.ک: همان، ص ۱۱۱؛ طهرانی، ۱۴۰۳ ق: ج ۱۶، ص ۴۷).

**غریب القرآن اثر قرآنی ابوجعفر طبری:** در میان علوم قرآنی، علم مفردات یعنی شناختن تک واژه‌های به کار برده شده در آیات قرآن مجید، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است؛ چرا که راه ورود به اعماق معانی و مقاصد عالی قرآن مجید، کلام، درک «مفردات» و تک واژه‌ها و الفاظ مشکل و غریب قرآن است. شناخت مفردات، اساس و رکن اصلی محتوای هر کتابی است تا آنجا که علم به «مرکبات» هیچ کتابی بدون شناخت مفردات آن امکان پذیر نیست. در زمینه اهمیت و ضرورت آشنایی مسلمانان با مفردات قرآن به ویژه غریب و آیات مشکل، روایت است که: «اغْرِبُوا الْقُرْآنَ وَ التَّمَسُّوا غَرَائِبَهُ» (نوری، ۱۴۰۸ق: ج ۴، ص ۳۷۱). برخی راغب اصفهانی (متوفای ۵۰۳ ق) را نخستین کسی می‌دانند که اصطلاح «علم مفردات» را به کار برده و تألیف ارزشمند خود در زمینه شرح و تفسیر واژه‌های قرآنی را «المفردات» نامیده است (شکوری، ۱۳۸۸ش: صص ۱۹-۴۴).

یکی از شاخه‌های مهم علم مفردات، غریب القرآن است که در طول زمان کتاب‌های فراوانی در مورد آن تألیف شده است. درباره معنای واژه «غریب القرآن» چنین گفته‌اند: «آن بخش از واژه‌های به کار رفته در قرآن مجید که همه مردم آشنا به زبان عرب به سادگی و راحتی معانی آن‌ها را در نمی‌یابند، بلکه درک معانی آن‌ها نیازمند آشنایی گسترده و عمیق به زبان عربی و تبحر در آن است، مانند واژه‌های: «لا تکون فتنه» در آیه ۱۹۳ بقره که به معنای «شُرک» است، یا «جنفا» در آیه ۱۸۳ سوره بقره که به معنای گناه و اثم است و یا کلمه «ریشاً» در آیه ۲۶ سوره اعراف که به معنای «مالاً است» (رک: همان). نخستین مؤلف در فن غریب القرآن، عبدالله بن عباس است که سیوطی کتاب او را به طور کامل در کتاب الاتقان درج کرده است (سیوطی، بی تا: ج ۲، ص ۶۶۶). در حال ابوجعفر احمد بن محمد بن رستم طبری که در سال‌های آغازین سده چهارم زندگی می‌کرده، کتابی به نام غریب القرآن داشته است. علامه سید محسن امین و آقابزرگ تهرانی تنها از کتاب وی نام بردند (امین عاملی، ۱۴۰۶ق: ج ۳، ص ۱۱؛ طهرانی، ۱۴۰۳ق: ج ۱۶، ص ۴۷) و اطلاعاتی از کتاب وی را ارائه نکردند. تلاش نگارنده از طریق نرم افزارهای مرتبط برای یافتن اطلاعات در باب این اثر، نتیجه‌ای در بر نداشت.

**۲-۲. عمادالدین ابوالحسن علی بن محمد طبری معروف به کیا هژاسی:** ابوالحسن علی بن محمد طبری ملقب به عمادالدین و معروف به کیا هژاسی از مشاهیر شافعیه اهل سنت و از اعلام قرن پنجم قمری است. وی در سال ۴۵۰ قمری در طبرستان به دنیا آمد. عمادالدین از زید بن صالح آملی و حسن بن محمد صفار حدیث شنید و فقه و اصول را نیز تا درجه اجتهاد در شهر نیشابور نزد ابوالمعالی جوینی معروف به امام الحرمین آموخت. آنگاه در شهر بیهق مدتی به تدریس

اشتغال داشت. سپس به بغداد رفت و در آن شهر رحل اقامت گزید و از سال ۴۹۳ تا زمان وفات، متولی تدریس نظامیه بغداد گشت و به وعظ و ارشاد و افتاء و نظارت امور اجتماعی پرداخت. وی در حدیث بسیار تبحر داشت و در مناظرات و مجالس خویش از آن بهره می برد. این سخن معروف او است: «إذا جالت فرسان الاحادیث فی میادین الکفاح، طارث رءوس المقاییس فی مهاب الریاح». ابوالحسن علی بن محمد طبری شاگردانی نیز تربیت کرد. جمعی از شاگردان وی از جمله علی بن محمد بن عیسی بن مؤمل واسطی، سعد الخیر، ابو طاهر سلفی و عبدالله بن محمد بن غالب از او حدیث نقل نموده اند.

ابوالحسن علی بن محمد طبری، مخالف یزید بن معاویه بود و عقیده داشت که وی فردی فاسق، قمارباز و دائم الخمر بود. وی سخن بسیار طولانی در باب فسق و فجور یزید دارد و می گفت: «لو مُدِدْتُ ببیاضِ لَمَدَدْتُ العِنان فی مخازی هذا الرجل» (سبحانی، ۱۴۱۸ق: ج ۶، ص ۲۰۵). ابوالحسن علی بن محمد طبری کیا هراسی کتب فراوانی را تألیف کرد از جمله آن شفاء المسترشدین فی الخلافیات، احکام القرآن و کتاب فی الرد علی ما انفرد به أحمد بن حنبل است. مشهورترین کتاب وی تفسیر احکام القرآن کیا هراسی است که در ادامه به روش تفسیری وی می پردازیم.

**۲-۱-۲. روش تفسیر:** احکام القرآن کیا هراسی از مهم ترین کتاب های نگارش یافته در احکام قرآن، نزد شافعیان است که به اسلوب این فن و به شکل کامل انجام گرفته است. ایشان در این کتاب مبنای نظرات شافعی قرار داده و بر اساس قواعد مذهب شافعی به تشریح و تفسیر آیه های احکام قرآن پرداخته است. در مقدمه کتاب، مذهب خود را برتر از دیگر مذاهب اهل سنت دانسته و تلاش کرده است نظر خود را مستدل سازد. این کتاب به ترتیب سوره ها و آیات قرآن است و آیات احکام تمام قرآن را بررسی کرده است.

شیوه کلی وی در طرح مباحث به این ترتیب است که ابتدا و به ترتیب سوره ها، آیاتی را که می توان از آن ها حکمی برداشت کرد، ذکر می کند. در صورت وجود شأن نزول برای آیه، آن را بیان نموده و سپس به بررسی آیه پرداخته و استدلال خود را بر اساس برداشت های فقه شافعی بیان می دارد. همچنین در برخی موارد اقوال دیگر مذاهب فقهی اهل سنت را ذکر و استدلال آن ها را مطرح و رد می نماید. در تشریح آیات، به تأویل و توجیهاات بسیاری متوسل شده که آیه قرآن را بر اساس مذهب خود شرح کند. کیا هراسی برخلاف جصاص هرگز عفت کلام را فرو نمی گذارد و جانب احترام دیگر پیشوایان و مذاهب را نگاه می دارد و تنها عبارات جصاص را به تندى پاسخ می گوید. اما مانند او چندان به مباحث فرعی و استدلال های باریک بینانه روی نمی آورد.

ایشان در تبیین، توضیح و استدلال خود، از اقوال صحابه و تابعین و روایات پیامبر(ص) نیز بهره می‌برد و در مقابل شبههاتی که جصاص و دیگران بر مذهب شافعی وارد کرده‌اند، خود را موظف به پاسخگویی می‌شمارد و در کنار دفاع از مذهب شافعی، نقد فراوانی بر مذهب ابوحنیفه وارد می‌کند.

۲-۲-۲. **نسخه‌شناسی:** این کتاب توسط انتشارات دارالکتب العلمیه در بیروت در سال ۱۴۰۵ قمری تجدید چاپ شد. نسخه حاضر دارای مقدمه‌ای از ناشر درباره سیرتطور ۱- تفسیر فقهی و مهم‌ترین مصنفات آن ۲- شرح حال مختصری از مفسر ۳- معرفی کتاب حاضر، است. چاپ این تفسیر توسط منشورات محمدعلی بیضوی - دارالکتب العلمیه بیروت در لبنان به سال ۱۴۲۲ قمری به صورت ۴ جلد در ۲ مجلد به قطع وزیری انجام گرفته که تفاوت‌هایی در پاورقی و توضیحات نسبت به چاپ قبلی آن دارد. پاورقی شامل آدرس آیات، منابع روایات، منابع اقوال شافعی و دیگران، معنای برخی کلمات و مصطلحات و توضیح پاره‌ای عبارات مشکل کتاب است. نسخه خطی احکام القرآن در یک جلد بزرگ در دارالکتب المصریه و المكتبة الازهریه (کتابخانه الازهر) موجود است (خرمشاهی، ۱۳۷۷ش: ج ۱، ص ۶۶۴ و ج ۲، ص ۱۹۱؛ معرفت، بی تا: ج ۲، ص ۲۳۹؛ ایازی، ۱۳۷۳ش: ص ۱۱۹).

سرانجام ابوالحسن علی بن محمد طبری در سال ۵۰۴ یا ۵۱۰ قمری در سن ۵۵ سالگی یا ۶۱ سالگی در بغداد از دنیا رفت.

۲-۳. **رشیدالدین محمد بن علی بن شهرآشوب مازندرانی:** مصادر تاریخی و منابع رجالی قدیم و جدید شیعه، ابن شهرآشوب مازندرانی را شخصیتی فقیه، مفسر، بلیغ و سخنور، متصف به وصف وعظ و خطابه دانسته‌اند (ر.ک: خویی، ۱۴۱۰ق: ج ۱۶، ص ۳۳۰؛ سبحانی، ۱۴۱۸ق: ج ۶، ص ۲۸۵؛ امین عاملی، ۱۴۰۶ق: ج ۲، ص ۲۶۷؛ حسینی جلالی، ۱۴۲۲ق: ج ۱، ص ۶۰۸؛ ابن شهرآشوب، ۱۳۸۰ق: ص ۱۲۰؛ عاملی، ۱۳۸۵ق: ج ۲، ص ۲۸۶). آیت‌الله خویی در معجم رجال الحدیث ضمن بیان شرح حال علامه ابن شهرآشوب وی را شخصیتی فقیه، محقق و محدث معرفی نموده است و به نقل از سید تفریسی در کتاب «النقد» و شیخ حر در «تذکره المتبحرین» می‌نویسد: رشیدالدین محمد بن علی بن شهرآشوب مازندرانی ساروی (۴۸۸ق - ۵۸۸ق) شیخ طایفه شیعه، شخصیتی فاضل، فقیه، شاعر، بلیغ، محدث، محقق، آگاه به رجال و اخبار، ادیب، نویسنده، جامع محاسن و فردی ثقه بوده است. ابن شهرآشوب از جدش شهرآشوب، شیخ طوسی، محمد و علی فرزندان عبد الصمد روایت می‌کند. وی دارای کتب متعددی است که می‌توان به کتاب‌های مناقب آل ابی طالب، مثالب النواصب، المخزون المکنون فی عیون الفنون، أعلام الطرائق فی الحدود و



الحقائق، فائدة الفائدة، المثال فى الأمثال، الأسباب و النزول على مذهب آل الرسول، الحاوى، الأوصاف، المنهاج، متشابه القرآن و ... اشاره کرد. ابن شهر آشوب این نگاه‌سته‌های خویش را در معالم العلماء ذکر نموده است. علامه میرزا حسین نوری (متوفای ۱۱۰۴ق) درباره او چنین گفته: فخر شیعیه، افضل الاوائل و دریای ژرف بی ساحل، احیاء کننده آثار مناقب و فضایل، رشید الملّه والدین، شمس الاسلام و المسلمین، فقیه، محدث، مفسر، محقق ... (نوری، ۱۴۰۸ق: ج ۵، ص ۳۱۰). محدث قمی نیز از او با عنوان واسع العلم، کثیر الفنون یاد می‌کند (قمی، ۱۴۱۶ق: ج ۱، ص ۷۲۶). ابن حجر عسقلانی از عالمان اهل سنت (متوفای ۸۵۲ق) از ابن شهر آشوب به نیکی یاد می‌کند و می‌نویسد: «ابن شهر آشوب مازندرانی از حفاظ و فقهای شیعه است». ابن ابی طی در تاریخ خود گفته است: «ابن شهر آشوب نخست به تحصیل حدیث پرداخت و در این راه به ملاقات بسیاری از رجال حدیث توفیق یافت. آنگاه به آموختن علم فقه اشتغال ورزید و در فقه اهل بیت به مقام نهائی رسید و در اصول نیز مهارت به هم رسانید، سپس در فن قرأت و تفسیر و عربیت بر دیگران پیشی گرفت. صورتی دلپسند و رخساری نمکین داشت. در همه رشته‌ها کتاب نوشته است...» (ابن حجر عسقلانی، ۱۴۰۶ق: ج ۵، ص ۳۱۰؛ خویی، ۱۴۱۰ق: ج ۱۶، ص ۳۳۰؛ امین عاملی، ۱۴۰۶ق: ج ۱، ص ۸۲). در طبقات المفسرین سیوطی درباره وی آمده است: او یکی از مشایخ شیعه است که به حدیث پرداخت و با رجال حدیث دیدار کرد. سپس به فقه پرداخت و در فقه اهل مذهب خود به درجه نهایت رسید و در اصول چیره گشت (امین عاملی، همان). رجال پژوهان ابن شهر آشوب را به دانش، فضیلت، فرزاندگی و وارستگی ستوده‌اند. چنان‌که تفرشی درباره او گفته است: «شیخ فی هذه الطائفة و فقیهاً و کانَ شاعراً بليغاً منشیاً» (تفرشی، ۱۴۱۸ق: ج ۴، ص ۲۷۶).

۲-۳-۱. اثر قرآنی علامه ابن شهر آشوب ساروی: علامه ابن شهر آشوب در زمینه تفسیر قرآن، کتاب متشابه القرآن را تألیف کرد. نام مشهور آن کتاب «متشابه القرآن» است و لکن تعبیری که ابن شهر آشوب در پایان کتاب دارد «متشابه القرآن و المختلف فیه» است (ابن شهر آشوب، ۱۴۱۰ق: ج ۲، ص ۲۸۵). شیخ آقابزرگ تهرانی نیز به استناد معالم العلماء و برخی از اجازات ابن شهر آشوب که در ریاض العلماء آمده، نام تفسیر ابن شهر آشوب را «متشابه القرآن و ما اختلف العلماء فیه من الآیات» یاد کرده و می‌گوید: «کتاب شگفتی است که نشان‌گردانش گسترده نویسنده است. نسخه مخطوطه این کتاب در کتابخانه «التستریة» و کتابخانه شیخ علی آل کاشف الغطاء و در کتابخانه مدرسه مولی محمد باقر سبزواری در مشهد الرضاع) در خراسان موجود است. از این کتاب گاهی به عنوان تأویل

متشابهات القرآن نیز یاد می‌شود. نسخه‌ای از این کتاب را محدث حر عاملی به علامه مجلسی اهدا کرد. آن نسخه به خط آن دو عالم در نزد استاد ما علامه میرزا حسین نوری موجود است. بالنتهایه این کتاب در ایران به زیور طبع مرصع و مزین شد» (طهرانی، ۱۴۰۳ق: ج ۱۹، ص ۶۲). این کتاب یکی از منابع اصیل و اصلی حوزه دانش احکام و تشابه است که تاکنون مورد استفاده قرآن پژوهان بوده است. البته او در این تفسیر خود هم از روش تفسیر قرآن به قرآن و هم از استدلال عقلی و هم از احادیث مخالفان معصومان (ع) بهره می‌گیرد و اقوال مفسرین را مطرح می‌کند.

**۲-۳-۲. روش تفسیری ابن شهرآشوب:** روش تفسیری ابن شهرآشوب یکنواخت نیست. روش او در تفسیر آیات قرآن، بیشتر بر پایه روش اجتهادی و عقلی است که با استفاده از منابع مختلف تفسیر انجام گرفته است. وی در این کتاب از منابع مطمئن و قابل اعتمادی مانند «قرآن، روایات، عقل، لغت، علوم ادبی و نحوی و اقوال مفسران» بهره گرفته که مقدار بهره‌گیری او از این منابع گاه از نظر کمیت و گاه از نظر کیفیت در نوسان بوده است (ربیع نتاج و حیدری، ۱۳۹۱ش: ص ۳۲). در مقولات کلامی و مسائل اصول عقاید بیشتر از عقل و قرآن بهره می‌جوید و در مباحث فقهی و تاریخی و فروع مسائل اعتقادی، احادیث و اقوال مفسران؛ علوم ادبی و بلاغی نیز در همه مباحث، مورد استفاده نویسنده است (حسینی کارنامی، ۱۳۹۲ش: ص ۴۷). کتاب او، یک «تفسیر موضوعی» جامع است و علی‌رغم آنکه دامنه بهره‌گیری وی از روایات گسترده نبوده، اما سعی نموده است تا با روش‌ها و گونه‌های مختلف، به نقل احادیث و روایات نیز همت گمارد.

ابن شهرآشوب از گزارش‌های تفسیری پیشینیان به ویژه استادش شیخ طبرسی تأثیر پذیرفته و از آنان بهره گرفته و در موارد بسیاری به آراء مفسرین فریقین مراجعه کرده و ضمن نقل از کتب آن‌ها، به بررسی نظرات تفسیری آنان گاه برای تأیید سخن خویش و گاه برای رد نظرات آن‌ها پرداخته است. بیشترین نقل قول تفسیری وی از علمای متقدم شیعه، به سید مرتضی، شیخ مفید، شیخ طبرسی و شیخ طوسی اختصاص دارد. از دانشمندان اهل سنت نیز بیشتر از متشابه القرآن قاضی عبدالجبار معتزلی و ابوعلی جبایی نقل قول کرده است (حیدری و ربیع نتاج، ۱۳۹۲ش: ص ۳۱).

تبیین معنای مفردات قرآنی، تفسیر آیات الأحکام، تبیین نوع خطاب در قرآن، توجه به صنایع ادبی و بلاغی، تأکید بر تفسیر ظاهری و باطنی آیات، ذکر مصادیق آیات و نیز استناد به اجماع مفسرین، از دیگر مبانی تفسیر نگاری ابن شهرآشوب در تفسیر متشابهات قرآن بوده است.

۲-۴. **شیخ محمدکاظم بن عبدالعلی تنکابنی**: شیخ محمدکاظم بن عبدالعلی تنکابنی، ملقب به عبدالکاظم، در تنکابن مازندران به دنیا آمد و سپس به اصفهان مهاجرت کرد و در درس علمای بزرگ همچون شیخ بهایی حضور یافت و برخی از کتب را نزد وی تلمذ کرد. برخی از مؤلفین نیز مباحثات و مناظرات وی با سید میرداماد را بیان کرده‌اند. او قبل از سال ۱۰۰۸ قمری به زیارت عتبات مقدسه رفت و سپس در مشهد الرضا(ع) رحل اقامت گزید. عبدالکاظم سرانجام بعد از سال ۱۰۳۳ قمری از دنیا رفت.

وی دارای آثار متعددی به شرح زیر است: اللوح المحفوظ لأسرار کتاب الله الملفوظ در علم کلام، اثنا عشریة در معضلات العلوم، العشرة الكاملة، قانون الإدراک (برهان الإدراک) در شرح تشریح الأفلاک، حاشیه بر کتاب المحصول فخرالدین رازی، شرح تذکرة نظام‌الدین، شبه الطفرة، رسالة فی اصول الدین، حاشیه بر تفسیر فخرالدین رازی و رسالة فی حقائق سورة الفتح. ایشان در پایان کتاب «رسالة فی أصول الدین» و کتاب «رسالة فی حقائق سورة الفتح» دو اجازه از استاد خود شیخ بهایی آورده که تاریخ اجازه نخست به سال ۱۰۰۸ و دومی به تاریخ سال ۱۰۱۰ قمری است. هر دو رساله را وی در مشهد الرضا(ع) تألیف کرده است. نسخه‌ای از آن به فهرست شماره ۱۱ / ۲۴۸ در ضمن مجموعه رقم ۴۲۵۰ در کتابخانه عمومی آیت‌الله العظمی مرعشی در قم موجود است (امین، ۱۴۰۸ق: ج ۲، ص ۳۰۸).

۲-۵. **سید حسین بن میرزا رفیع‌الدین حسینی مرعشی آملی**: سید ابوطالب علاء‌الدین حسین بن رفیع‌الدین حسینی مرعشی آملی مشهور به سلطان‌العلماء و خلیفه سلطان در سال ۱۰۰۱ قمری در شهر اصفهان متولد شد. وی از اولاد امیر قوام‌الدین، والی مازندران معروف به میربزرگ بود که قبر وی در شهر آمل معمور و دارای موقوفات است. سید حسین بن رفیع‌الدین یکی از سادات و فقهای شهیر عصر شاه‌عباس اول بود که با دختر شاه‌عباس صفوی ازدواج کرد که از دختر شاه‌عباس دارای چهار اولاد نابینا شد که همگی از علما و فضلا بودند. وی از جانب پدر با ۲۹ واسطه نسب خود را به علی بن حسین(ع) می‌رساند. از جانب مادر از سادات شهرستان بود. اسلاف پدری خلیفه سلطان پیوسته از سادات و علمای مازندران بودند. اینکه نسل چندم از اسلاف وی در اصفهان متوطن گشته و به سادات این شهر معروف گشتند دقیقاً معلوم نیست. پدرش رفیع‌الدین، شخصیتی بافضل و کمال و دارای سلامت نفس و خیراندیش و از سادات معروف اصفهان بود. جدّ او نیز از علمای متبحر زمان خود بود. وی از پدر خود و نیز از شیخ بهایی علم آموخت. وی سیدی فاضل، سلیم‌النفس، ملک خصال و از علوم معقول و منقول بهره‌ور و

آگاه بود. او بعد از فوت قاضی سلطان که منصب صدارت داشت به سال ۱۰۲۶ قمری از طرف شاه عباس اول به منصب وزارت منصوب شد. او در دو دوره وزیر اعظم شاه عباس اول و شاه صفی و در دوره هشت ساله بعدی، وزیر اعظم شاه عباس دوم بود. وی به مصر، یمن و قسطنطنیه مسافرت و با علمای آن دیار گفتگو کرد. نیز با ابی السعود مفتی، صاحب تفسیر معروف مناظره نمود. علامه مجلسی صاحب بحار الأنوار، آقا حسین خوانساری صاحب مشارق الشموس و میرزا عیسی پدر صاحب الریاض از شاگردان او می باشند.

وی دارای مؤلفات سودمندی است که بیشتر حواشی بر کتب و مختصر است؛ مانند حاشیه بر الحاشیه حلالیه بر شرح الجدید؛ حاشیه بر معالم الأصول؛ حاشیه بر زبدة الأصول شیخ بهایی؛ حاشیه بر شرح اللمعة؛ حاشیه بر مختلف و بر قواعد علامه؛ حاشیه بر الشرائع؛ حاشیه بر الکافی؛ حاشیه بر تهذیب شیخ طوسی؛ حاشیه بر استبصار؛ حاشیه بر مفتاح الفلاح؛ حاشیه بر شرح الشمسیه؛ توضیح اخلاق خواجه نصیر طوسی؛ دیوان سلطان العلماء؛ حاشیه بر الکشاف؛ حاشیه بر تفسیر بیضاوی.

سرانجام، سلطان العلماء در ۱۰۶۴ هجری قمری در اشرف (بهشهر) از دنیا رفت و پیکرش را در نجف به خاک سپردند (امین عاملی، ۱۴۰۶ق: ج ۶، ص ۱۶۴).

**۲-۶. آقا محمد هادی فرزند ملا محمد صالح مازندرانی:** آیت الله محمد هادی مازندرانی فرزند علامه ملا محمد صالح مازندرانی، مؤلف و خوشنویس اواخر دوره صفوی و از اعلام امامیه قرن یازدهم هجری قمری است. تاریخ ولادت او در جایی ذکر نشده است.

پدرش آیت الله ملا محمد صالح بن احمد بن شمس الدین مازندرانی ملقب به حسام الدین مازندرانی در روستای تیلک از توابع چهار دانگه متولد شد. وی مدتی در ساری تحصیل کرد و سپس برای ادامه تحصیل رهسپار اصفهان شد. محمد صالح با وجود تنگدستی، با عشق و علاقه تحصیل نمود. وی از شاگردان علامه محمد تقی مجلسی بود و چون علامه زهد و تقوای وی را دید به او پیشنهاد کرد تا با دختر مجتهده اش آمنه بیگم ازدواج کند. حاصل این ازدواج شش فرزند پسر و یک فرزند دختر بود. پسرانی به نام محمد هادی، حسین علی، محمد حسین، محمد اشرف، عبدالباقی، نورالدین که همگی از اهل علم و قلم بوده اند. علامه محمد صالح از محضر شیخ بهایی و ملا عبدالله شوشتری نیز بهره گرفت. از علامه محمد صالح مازندرانی آثار زیادی به جامانده که عبارت اند از: حاشیه شرح لمعه، شرح اصول کافی، شرح روضه کافی، شرح معالم الاصول، شرح زبده الاصول شیخ بهایی، شرح قصیده برده، حاشیه معالم، حاشیه

شرح مختصر الاصول عضدی، شرح من لا يحضره الفقيه، شرح شافیه فی التصريف، الدایر السایر. علامه محمد صالح مازندرانی در سال ۱۰۸۶ قمری در شهر اصفهان درگذشت و در کنار قبر علامه مجلسی به خاک سپرده شد (عاملی، ۱۳۸۵ق: ج ۲، ص ۲۷۷؛ امین عاملی، ۱۴۰۶ق: ج ۷، ص ۳۶۹). فرزندش آیت الله محمد هادی نیز مردی عالم، فاضل، جلیل، ظریف و حسن الجواب بود. وی در برخی از مجامع خود، واقعه افغان را در بلاد ایران آورده و می گوید: «قال أنه لوقيل ما وقعت شدة من يوم خلق الله الأرض مثل هذه لم يكن فيه مبالغة» (امین عاملی، ۱۴۰۶ق: ج ۱۰، ص ۲۳۴). ایشان، علاوه بر فضل و دانش در فقه و حدیث، از خط زیبایی نیز برخوردار بوده و از اساتید هنر خوشنویسی نیز به حساب می آمده است. وی از مشاهیر در خط شکسته نستعلیق بود (خوانساری، بی تا: ۴/ ۱۱۹). بهترین شاهد بر این مدعا، نسخه ای به خط مؤلف در شرح فروع الکافی است که در دسترس است. وی در خط نسخ از معاصران و پیروان شیوه آقا ابراهیم قمی بود (امین، ۱۴۰۸ق: ج ۱، ص ۴۵؛ فضایی، ۱۳۶۲ش: ص ۳۵۰). زندگی آیت الله آقا محمد هادی مازندرانی در اصفهان سپری شد و بنا بر گفته برخی، به هنگام فتنه افغان در سال ۱۱۳۴ یا ۱۱۳۵ قمری درگذشت و در مقبره خاندان مجلسی که کنار مسجد جامع اصفهان است به خاک سپرده شد. قبر آقا ملاحادی در صندوق چوبی که در کنار ایوانچه درگاه مقبره است، قرار دارد (گزی برخوردار، ۱۳۷۱ق: صص ۷۲ و ۷۳). عصر وی، عصر رونق ترجمه است و صفویه به این کار تشویق می کردند و می توان وی را یکی از پرچم داران این حرکت به حساب آورد و از این رو بود که وی ملقب به «مترجم» شد؛ زیرا بسیاری از کتب عربیه مثل معالم الأصول، صحیفه سجادیه و قرآن شریف را به فارسی ترجمه کرد. دانشمندان بر آموزش صحیفه سجادیه و شرح و توضیح مفاهیم و مقاصد آن علاقه زیادی داشتند و در این خصوص مجموعه ای از کتاب های ارزنده تألیف کردند که شیخ المحققین حاج شیخ آقابزرگ تهرانی آن ها را نام برده است که از جمله آن شرح و ترجمه فارسی بر صحیفه از فاضل هادی بن ملا محمد صالح بن احمد مازندرانی است. وی دارای آثار متعدد دیگری نیز است. غالب کتاب های او فارسی و ترجمه عربی است. آثاری همچون انوار البلاغة در علم المعانی و البیان، الحدود و الديات به زبان فارسی، رساله فی المواريث به زبان فارسی، منتخب مغنی اللیب، شرح الکافیة به زبان فارسی، شرح الکافی، شرح فروع الکافی، شرح الصحیفه به زبان فارسی، بشاره الشیعة مسائل الشریعة من العبادات و المعاملات، شرح فارسی بر معالم، شرح فارسی بر شمسیه، شرح فارسی شافیه صرف نظام (طهرانی، ۱۴۰۳ق: ج ۲، ص ۴۲۰؛ ج ۳، ص ۱۱۶؛ ج ۶، ص ۲۹۸؛ ج ۱۳، صص ۳۵۹ و ۳۸۰؛ گزی برخوردار، ۱۳۷۱ق: ص ۷۲).

**میراث قرآنی آقا ملاحادی:** آیت الله ملا محمد هادی مازندرانی دارای ۲۱ اثر بود که سه اثر از این آثار در زمینه قرآن است که عبارت‌اند از: قرآن کریم با شأن نزول، حاشیه عربی بر تفسیر بیضاوی و رساله فی تفسیر بعض الآیات والأحادیث. نسخه‌ای از این رساله «رسالة فی تفسیر بعض الآیات والأحادیث» در کتابخانه دانشگاه تهران به شماره ۷۳۷۸ موجود است (گزی برخواری، همان). علامه آقابرزگ تهرانی در الذریعة به ترجمه قرآن آقا ملاحادی تصریح کرده و می‌نویسد: توجد نسخة منه عند الحاج محمد علی التاجر الإصفهانی فی کرمانشاهان و هی بخط محمد صالح بن توکل المشهدی، فرغ من الكتابة سنة ۱۱۱۵ ق (طهرانی، ۱۴۰۳ ق: ج ۴، ص ۱۲۸).

در تذکرة القبور در ذکر مقبره مجلسی، حکایتی شبیه به آنچه برای علامه طبرسی در انگیزه و سبب اقدام وی به تألیف مجمع البیان ذکر شده، آورده و می‌نویسد: «گویند به جهت نذر توی قبر این را نوشته، چون به جهت ناخوشی صرع یا سکنه، وقتی اعتقاد فوت او شده دفنش نموده در قبرستانی و سوراخی به بالای قبر برای نفس احتیاطاً گذارده [اند]، او در قبر به هوش آمده نذر نوشتن ترجمه قرآن هرگاه بیرون آید، کرده، اتفاقاً شتری آنجا می‌چریده، از صدای توی قبر برآمده، ساربان فهمیده، خبر به اهل شهر داده، بیرونش آورده‌اند» (گزی برخواری، ۱۳۷۱ ق: ص ۷۳).

**۲-۷. آیت الله آقا محمد علی هزارجریبی مازندرانی نجفی:** آیت الله آقا محمد علی هزارجریبی مازندرانی یکی از اعلام بزرگ شیعه در قرن سیزدهم هجری و فرزند فقیه عالی قدر آیت الله العظمی آقا محمد باقر هزارجریبی، اهل هزارجریب مازندران است. والد مکرم وی آیت الله آقا محمد باقر هزارجریبی ساکن نجف اشرف بود که وی در سال ۱۱۸۸ (به نقلی در سال ۱۱۵۸) در نجف اشرف دیده به جهان گشود. وی سپس به ایران مهاجرت کرد و مدتی در ارومیه و تبریز، زمانی در قم و سپس در اصفهان سکنی گزید و به فقیه مطلق شهرت یافت. به جهت این مهاجرت‌ها به هزارجریبی اصفهانی نجفی شهرت دارد (سبحانی، ۱۴۱۸ ق: ج ۱۳، ص ۶۱۷). وی داماد علامه کاشف الغطاء است. خاندان کاشف الغطاء، از جمله مهم‌ترین علمای امامیه عراق هستند. علامه شیخ جعفر کاشف الغطاء پنج داماد داشته است که همگی از فقهای به نام شیعه می‌باشند و آن‌ها عبارت‌اند از: شیخ اسدالله تستری کاظمی، شیخ محمد تقی رازی اصفهانی، سید صدرالدین موسوی عاملی، شیخ محمد بن شیخ راضی نجفی و آقا محمد علی هزارجریبی. در نقل دیگری آمده که وی در اصفهان با دختر میرزا محمد باقر نواب ازدواج کرد و در مسجد ذوالفقار امامت می‌نموده است.

عالم جلیل القدر آیت الله آقا محمد علی هزارجریبی، فقیهی و اصولی متبحر، عارف به تفسیر، رجال و ادبیات عرب و از اجلای علمای امامیه است. وی از تلامذه محقق قمی، آقا سید جواد

عاملی، حاج سید مهدی بحر العلوم، حاج ملا احمد نراقی و آقا شیخ جعفر نجفی بود. نیز جمع فراوانی از فضلی از وی کسب معارف کردند (امین عاملی، ۱۴۰۶ق: ج ۱۰، ص ۲۶؛ سبحانی، ۱۴۱۸ق: ج ۱۳، ص ۶۱۷؛ طهرانی، ۱۴۰۳ق: ج ۱، ص ۱۴۸).

صاحب روضات می نویسد: «آیت الله آقا محمدعلی هزارجریبی پس از مرگ پدر، از شهری به شهر دیگر هجرت کرد تا آنکه به شهر قم ساکن شد و به درس مرحوم میرزا صاحب قوانین مرتباً حاضر می شد و از جمله خواص اصحاب او گردید. میرزا خیلی به او علاقه داشت و اجازه کاملی به او داد. آقا محمدعلی از قم به اصفهان رفت و پس از ازدواج با دختر میرزا محمدباقر نواب سال ها در اصفهان (شهرضا) اقامت گزید و به تدریس و تألیف مشغول گشت» (خوانساری، بی تا: ج ۷، ص ۱۵۳).

عرب و عجم او را می شناختند. آن جناب پاسخگویی دلسوز برای مردم و ملجأ و پناهی برای مسلمین بود. فرزند فاضلش در احوال والدش چنین می نویسد: «والدم دانشمندی متعهد و شب زنده دار بود که نوافل و تهجد او ترک نشد. در مقام عبادت در دل های شب چون مارگزیده به خود می پیچد، نسبت به دنیا و حطام اندک آن اصلاً توجهی نداشت و زندگی ساده خود را به زهد و قناعت گذرانید. نیز وی به کرامات، استجابات دعا و ترویجات و زهد و تقوی معروف است» (ویکی فقه، شرح حال محمدعلی هزارجریبی).

آقا محمدعلی عالمی جامع و فاضلی کامل، فقیهی دقیق النظر و مجتهدی متفکر و زبان آور بود. او دارای کتب فراوانی است که آثار وی نشانگر احاطه او بر علوم گوناگون اسلامی است. از وی آثار فراوانی به یادگار ماند که می توان به کتب زیر اشاره کرد:

البحر الزاخر، کتابی مفصل در فقه استدلالی؛ مخزن الاسرار فی شرح «الروضة البهیة» للشهید الثانی؛ حاوی مسائل حرام و حلال؛ لئالی در اصول فقه؛ البدور الباهر فی تفسیر آیات القصص؛ السراج المنیر در رجال؛ تبصرة المستبصرین در امامت؛ کتاب انیس در فکاهیات. کتاب القضاء تقریر بحث ستادش بحر العلوم؛ انیس المشتغلین؛ جوابات المسائل؛ الکواکب الباهرة حاشیه بر قواعد شهید اول؛ حاشیه بر قواعد علمه؛ کنز الکنوز حاشیه بر طهارت مدرک الاحکام عاملی؛ رمز الرموز حاشیه بر نکاح شرایی محقق؛ حاشیه بر شوارق و تجرید؛ القوانين المحکمة فی الأصول حاشیه بر قوانین؛ مجمع العرائس الروحیة، حاشیه بر معالم (= مجمع العرائس الوجیهة)؛ رساله در نماز؛ رساله در نکاح عدّه دمیّه؛ شرح احادیث مشکله؛ کتابی در قصاید و شرح آن ها؛ کتابی در نماز مسافر؛ کتابی در نکاح و طلاق؛ حاشیه علی باب الهمزة من «مغنی اللیب» لابن هشام ... (سبحانی، ۱۴۱۸ق: ج ۱۳، ص ۶۱۷).

او در اواخر عمر به شهرضا (قمشه) اصفهان منتقل گردیده و این مهاجرت سبب گمنامی او

شده است. سرانجام در سال ۱۲۴۵ قمری و در سن ۵۷ سالگی در شهرضای اصفهان درگذشت (همان). در نقل دیگری آمده که وی در شب شنبه ۱۸ ربیع الثانی ۱۲۴۵ قمری در شاه سید علی اکبر در نزدیکی شهرضا به مرض وبا وفات یافته و در همان جا مدفون گردید. قبرش داخل بقعه امام زاده است (ویکی فقه، شرح حال محمدعلی هزارجریبی).

آیت الله سبحانی از وی به عنوان عارف در علم تفسیر یاد و از وی یک اثر تفسیری با عنوان «البدرا الباهر فی تفسیر آیات القصص» ذکر می کند (همان). با این شهادت رجالی تردیدی در تخصص وی در تفسیر باقی نمی ماند؛ اما اینکه روش تفسیری و مقدار کتاب تفسیر وی چگونه است، علی رغم کاوش صورت گرفته از منابع کتاب شناسی شیعی همانند الذریعه و فهرس التراث، اطلاعاتی از این کتاب به دست نیامد!

۲-۸. ملا علی نوری مازندرانی: ملا علی بن ملا جمشید نوری مازندرانی (اصفهانی) از بزرگ ترین فلاسفه و حکمای اسلامی متأخر (در حکمت متعالیه) و عالم اسلامی قرون ۱۲ و ۱۳ قمری است. وی متولد روستای واز از توابع بخش چمستان شهرستان نوری مازندران است. پدرش جمشید نوری مازندرانی بود. ابتدای تحصیلش در مازندران و قزوین بوده، سپس به اصفهان آمد و در سلک شاگردان فلسفی درس آقا محمد بیدآبادی، حکیم و عارف قرن ۱۲ قمری و سید ابوالقاسم مدرس اصفهانی درآمد. آخوند نوری علاوه بر تحصیل و تدریس به مقام شامخی نیز در حکمت متعالیه نایل گشت و خود بزرگ ترین حوزه حکمت را در اصفهان دایر کرد که برخی از دانشمندان فلسفه، پایگاه او را از این جهت به مقام و موقعیت «صدر المتألهین» نزدیک دانسته و احیاگر حکمت صدرایی می نامند و آثار او بیشتر شرح و دفاعیات مکتب ملا صدر است. ملا علی قریب ۷۰ سال به تدریس و تشکیل حوزه درسی و تربیت شاگردان و ترویج علوم عقلی همت گمارد. ملا عبدالله زوزی (مروج مکتب فلسفی تهران)، سید ابوالقاسم دهکردی و ملا هادی سبزواری (صاحب منظومه) از شاگردان ملای نوری بودند. وی سخت مورد احترام سید محمدباقر حجه الاسلام و حاجی کلباسی از مراجع اصفهان بود. آثار متعددی را به حکیم ملا علی نوری نسبت می دهند که از جمله آن کتب زیر است: حاشیه بر اسفار ملا صدرا؛ حاشیه بر شواهد الربوبیه ملا صدرا؛ حاشیه بر مشاعر ملا صدرا؛ اسرار الآیات و التفسیر الکبیر و تفسیر منظوم سوره توحید مشتمل بر سه هزار بیت (امین، ۱۴۰۸ق: ج ۷، ص ۱۶۵). حکیم ملا علی نوری در سال ۱۲۴۶ یا ۱۲۴۷ قمری در حدود یک صد سالگی در اصفهان درگذشت و پیکر وی را به نجف انتقال دادند و به وصیت او در کفشداری حرم حضرت علی بن ابیطالب (ع) به خاک سپردند (امین عاملی، ۱۴۰۶ق: ج ۸، ص ۳۶۸).



## ۲-۹. شیخ محمدکاظم بن شیخ محمد شفیع هزارجریبی استرآبادی حائری: شیخ

محمدکاظم هزارجریبی از ائمه تقلید و فتوا، متبحر و نویسنده پرکار از اجلای اعلام امامیه است. او در استرآباد به دنیا آمد و دروس مقدمات و سطوح عالی حوزه را در موطن خویش نزد اساتید و افاضل علماء آن سامان از جمله والد مکرمش شیخ محمد شفیع هزارجریبی فراگرفت. پدرش شیخ محمد شفیع از علمای عصر خود بود و عمر طولانی کرد حتی پس از پسرش جناب شیخ محمدکاظم در سال ۱۲۳۸ قمری از دنیا رفت (امین، ۱۴۰۸ق: ج ۴، ص ۱۵۹).

شیخ محمدکاظم هزارجریبی سپس به قزوین مهاجرت کرد. قزوین در آن عصر بین دو دسته اخباریون و اصولیون تقسیم شده بود و مناظرات و مباحث نظری و حتی درگیری‌های خشونت‌آمیز نیز روی می‌داد. در آن میان شیخ محمدکاظم هزارجریبی به جرگه اصولیون درآمد و در درس فقه و اصول و علوم عقلیه شیخ محمد ملائکه برغانی (متوفای ۱۲۰۰) زعیم اصولیین شرکت کرد و از او کسب فیض کرد.

آنگاه وی از قزوین به اصفهان رفت و در محضر آقا محمد بیدآبادی (متوفای ۱۱۹۷ق) نائل آمد و از درس او نیز بهره‌ها برد.

پس مدتی توقف در اصفهان به قصد درک حوزه علمیه کبری کربلا راهی عراق شد و در کربلا سکنی گزید. خانه او در محله نقیب در جنوب باب القبله حائر حسینی بود. سپس در طرح توسعه حرم در سال ۱۳۶۸ قمری جزو خیابان جنب صحن حرم قرار گرفت. او در کربلا در درس مشهورترین فقهای عصر، آقا باقر بهبهانی حائری (متوفای ۱۲۰۵ق)، آقا سید علی طباطبایی حائری (متوفای ۱۲۳۱ق) و آقا میرزا مهدی شهرستانی (متوفای ۱۲۱۶ق) حضور یافت و پس از مدتی موفق به کسب اجازه روایت و اجتهاد از آن عالمان بزرگ شد. پس از وفات استادش آیت‌الله بهبهانی، بر مسند تدریس و فتوا نشست و جانشین استاد خویش گشت و مرجعیت دینی مردم به او رسید. لکن زمان مرجعیت وی طولی نکشید و از دنیا رفت (همان). محدث نوری در دارالسلام از این عالم بزرگ نام برد و درباره وی می‌گوید: عالم جلیل‌القدر مولی محمدکاظم هزارجریبی رحمه الله علیه از شاگردان آقا محمدباقر بهبهانی و آقا سید علی طباطبائی صاحب‌الریاض است.

ایشان دارای تألیفات بسیاری است. از او بیش از شصت کتاب و رساله علمی برجای ماند که برخی از آن‌ها، خود چندین جلد بزرگ و ضخیم است. شیخ آقابزرگ تهرانی در فی موسوعه جاویدان الذریعه‌الی تصانیف الشیعه به برخی از این آثار اشاره کرده است.

از جمله آثار وی تحفة الأخیار و تحفة المجاورین است که در این دو اثر از مشایخ خود محمدا باقر بهبهانی، میرزا محمدمهدی شهرستانی و صاحب ریاض روایت می‌کند و این دو کتاب از مصادر دارالسلام محدث نوری است. دیگر اثر وی تذکره الفتن، فصل الخطاب در زمینه احتجاج در مبحث امامت، مشابه کتاب احتجاج طبرسی و رسائل بسیار دیگر است (امین عاملی، ۱۴۰۶ق: ج ۱۰، ص ۴۲). از دیگر آثار او می‌توان به کتب و رسائل زیر اشاره کرد: الافلاکیه در هیئت و نجوم؛ الاقناعیه در اصول عقائد؛ إرشاد المنصفین و إلیزام الملحدین در رد صوفیه به زبان فارسی؛ کتاب البراهین الجلیه در تفضیل آل محمد بر جمیع البریه به زبان فارسی؛ کتاب تحفة العابدین (همان: ج ۹، ص ۲۲)؛ آداب الصلاه به زبان فارسی، کتاب چهل حدیث؛ البرهانیة الكبرى در امامت، تنبیه الغافلین، الجبر و الاختیار؛ حاشیه بر الحاشیه شیروانی بر کتاب المعالم، خواص القرآن به زبان فارسی در بیان خواص بخشی از سوره قرآن، الدرر الصافیة در ترجمه و شرح بعضی از سخنان کوتاه امیرالمؤمنین علی (ع)؛ دعائم الإسلام در بحث ایمان و کفر؛ الرسالة الاحتجاجیة: السلمانیة در فضائل سلمان فارسی و ابی ذر و عمار و المقداد؛ عقائد حیدریه و معارف دینی به زبان فارسی در مبدأ و معاد، کاشف الغلو و هادی أهل العلو در افکار شیخ احمد احسائی (متوفای ۱۲۴۴ق)؛ کنز الفوائد در امامت؛ مجمع الدرر در کرامات امیرالمؤمنین (ع)؛ محک ایمان به فارسی در باب اخلاق؛ مسائل العدل الأربعة الجبر و الاختیار و القضاء و القدر و الخیر و الشر و الهدایة و الضلالة؛ معارف الأئمة در چند جلد؛ معارف الأنوار در چند جلد؛ منبه الجهال علی وصف رئیس أهل الضلال در رد بعضی از عرفاء؛ رسائل فی الوضوء و الصلاة... (امین، ۱۴۰۸ق: ج ۴، ص ۱۵۹).

گفتنی است علامه شیخ حسن جبل عاملی صاحب کتاب مستدرکات اعیان الشیعه می‌نویسد: «عندنا أكثرها، بعضها بخط المؤلف؛ بیشتر این رسائل و کتب نزد ما موجود است که برخی به خط خود مؤلف است» (همان).

تنها کتاب تفسیری شیخ محمداکظم هزارجریبی، «خواص القرآن» به زبان فارسی در بیان خواص بخشی از سوره قرآن است که با تأسف باید گفت از این اثر نیز اطلاعی به دست نیامد، تنها عبارت مزبور علامه شیخ حسن جبل عاملی صاحب کتاب مستدرکات اعیان الشیعه است که به صورت عام خبر از وجود بیشتر آثار او داده و شاید این اثر تفسیری جزو آن باشد.

به هر حال، این عالم پرکار و صاحب تألیفات عدیده، نهایت تلاش خود را در نشر آثار آل محمد (ص) مصروف داشت و سرانجام در سال ۱۲۳۷ یا ۱۲۳۵ قمری در کربلا از دنیا رفت و در رواق شرقی حرم مطهر امام حسین (ع) در کنار مقبره اساتید خویش آقا محمدا باقر بهبهانی و آقا سید

علی طباطبائی صاحب الرياض در کربلا مدفون شد (امین عاملی، ۱۴۰۶ق: ج ۹، ص ۲۲؛ سبحانی، ۱۴۱۸ق: ج ۱۳، ص ۶۲۴؛ طهرانی، ۱۴۰۳ق: ج ۳، ص ۴۶۶؛ ج ۱، ص ۴۲۴؛ ج ۶، ص ۸۰؛ ج ۲۵، ص ۱۱۳).

## ۱۰-۲. شیخ محمد مهدی بن محمد شفیع مازندرانی هزارجریبی استرآبادی

آیت الله شیخ [محمد] مهدی مازندرانی فرزند محمد شفیع استرآبادی، در یک خانواده اهل علم در مازندران به دنیا آمد. وی از محضر پدرش، شیخ محمد شفیع هزارجریبی استرآبادی (متوفای ۱۲۳۸ق) و نزد برادر بزرگش آیت الله مولی شیخ محمد کاظم استرآبادی (متوفای ۱۲۳۷ق) و نیز برخی دیگر از علمای حائز شریف، از علمای اعلام حوزه کربلا بهره برد.

دروس مقدمات تا بخشی از سطوح عالیه علوم حوزوی را نزد والد مکرم و علمای بلاد خویش تلمذ نمود. سپس جهت ادامه تحصیل به عراق مهاجرت کرد و به درک شاگردی و تلمذ دروس آیت الله سید علی طباطبائی حائری صاحب ریاض (متوفای ۱۲۳۱ق) نائل آمد. آن گاه به موطن خود، استرآباد بازگشت. پس از مدتی به قزوین مهاجرت کرد و به درس خارج فقه و اصول آیت الله شیخ محمد صالح برغانی (متوفای ۱۲۷۱ق) و برادر شهید برغانی راه یافت. علوم عقلیه عرفان را از حوزه درس شیخ آقا حکمی قزوینی و ملا علی برغانی و میرزا عبدالوهاب برغانی قزوینی فراگرفت. پس از آن در حدود سال ۱۲۳۴ قمری به کرمانشاه رفت و مدتی در آن شهر ماند و در آن سامان از اکابر مدرسین شد. او در غائله شیخیه به طرفداری از مشایخ خویش، آل برغان به مبارزه با شیخیه پرداخت و از شدیدترین مخالفین شیخ احمد احسائی (متوفای ۱۲۴۱ق) درآمد. بین او و شیخ احمد نامه‌هایی به صورت سؤال و جواب تبادل گشت. برخی از این نامه‌ها را سید اعجاز حسین کنتوری هندی در کتاب کشف الحجب و الأستار عن أسماء الکتب و الأسفار آورده است. سپس در سال ۱۲۴۰ق و در عهد غازی الدین حیدر به لکهنو هند مهاجرت کرد و در آنجا غازی الدین حیدر یکی از ملوک هند به استقبالش آمد و از وی تجلیل و تکریم به عمل آورد. در ختام وی در شهر لکهنو هند ساکن شد و به امر تدریس اشتغال یافت و مرجعیت دینی مردم را بر عهده گرفت. وی تمام عمر مشغول تألیف و تدریس علوم دینی شد و سرانجام در سال ۱۲۵۹ قمری در شهر لکهنو هند دار فانی را وداع گفت.

وی بالغ بر سی مجلد کتاب تألیف کرد که از جمله آن کتب زیر است: کتاب أحسن الأقوال؛ الاستحکام فی مسائل الصیام؛ مجاری الأنهار در ترجمه مجلد هشتم بحار قدیم (الفتن و المحن)؛ ثمرة الفؤاد در مسئله ترجیح اجماع؛ قسطاس [قاطیس] العقول فی بیان قواعد الاصول؛ مصداق الاجتهاد؛ نیاریس الفرعیات فی نوامیس الشرعیات بر شرح مطول؛ رساله اصول دین؛ شرح

معالم الاصول؛ کتاب المسائل؛ الاستیعان فی بیان أركان الايمان؛ إعانة الباری فی جواب شبهات الاخباری که این دو کتاب آخر را در رد شیخ احمد احسائی مؤسس فرقه شیخیه نوشته است. همچنین کتاب تفسیری فصل الخطاب فی حجیة ظواهر آیات الكتاب از آثار او است. علامه سید اعجاز حسین کنتوری در کتاب کشف الحجب و الأستار عن أسماء الكتب و الأسفار و نیز علامه آقابزرگ طهرانی در الذریعه إلى تصانیف الشیعه به این آثار اشاره کردند (امین عاملی، ۱۴۰۶ق: ج ۱، ص ۶۸؛ امین، ۱۴۰۸ق: ج ۶، ص ۳۱۱).

تنها کتاب تفسیری وی «فصل الخطاب فی حجیة ظواهر آیات الكتاب» است که در منابعی که مورد مطالعه و کاوش نگارنده قرار گرفت، مطلبی در باب این اثربافت نشد.

## ۲-۱۱. آیت الله سید محمد موسوی پهنه کلائی ساروی غروی نجفی

آیت الله سید محمد بن فضل الله بن خداداد بن رشید بن حمزه موسوی پهنه کلاهی ساروی طبرسی نجفی، ملقب و معروف به ثقة الإسلام، ساکن شهر نجف بود. او تمام نسب و تصانیف خویش را آخر کتاب انوار الهدی که به چاپ رسیده، آورده است. آیت الله سید محمد بن فضل الله موسوی ساروی از علمای امامیه و شخصیتی فقیه، اصولی و شاعر بود که به مرحله اجتهاد نائل آمد. وی در درس عالیہ اعلامی همچون آیت الله مجدد سید محمد حسن شیرازی، میرزا حبیب الله رشتی و میرزا حسین خلیلی شرکت کرد. وی از سید ریحان الله بن جعفر کشفی و محمد اشرفی (متوفای ۱۳۱۰ق) اجازه نقل حدیث داشته و از آنان روایت می کند. او در نجف به مطالعه، بحث، تألیف و نظم شعر در مناقب و مصائب ائمه (ع) به زبان عربی و فارسی همت گمارد (سبحانی، ۱۴۱۸ق: ج ۱۴، ص ۵۶۲؛ امین عاملی، ۱۴۰۶ق: ج ۹، ص ۳۴۱؛ طهرانی، ۱۴۰۳ق: ج ۲، ص ۴۱۴). جماعتی از اعلام از محضروی تلمذ نموده و اجازه نقل حدیث دریافت کردند که از جمله آنان پسران وی، فقیه ارجمند سید موسی موسوی (متوفای ۱۳۱۸ق) و شاعر کبیر سید ابراهیم موسوی (متوفای ۱۳۱۹ق) هستند. همچنین آیات عظام سید جعفر بن علی نقی طباطبائی حائری، سید محمد بن اسماعیل موسوی ساروی (متوفای ۱۳۱۰ق)، سید مرتضی کشمیری نجفی، فضل الله مازندرانی حائری، میرزا صادق تبریزی، میرزا محمد همدانی صاحب «فصوص الیواقیت»، عباس ملاعلی بغدادی و ... از جمله شاگردان وی به شمار می روند (سبحانی، ۱۴۱۸ق: ج ۱۴، ص ۲۳۲). آیت الله سید محمد ساروی در ماه شوال ۱۳۴۲ قمری در شهر نجف اشرف چشم از جهان فرو بست (امین عاملی، ۱۴۰۶ق: ج ۹، ص ۳۴۱؛ ج ۶، ص ۱۹؛ سبحانی، ۱۴۱۸ق: ج ۱۴، ص ۲۳۲؛ طهرانی، ۱۴۰۳ق: ج ۱، ص ۱۸۴). وی دارای آثار فراوانی است که می توان به موارد زیر اشاره کرد:

الف) رساله فی الجبيرة، رساله‌ای مبسوط در جبیره. علامه آقابزرگ تهرانی می‌گوید که آن رساله را منضم با کتاب خیمات وی دیدم. نگارش این کتاب در سال ۱۳۱۰ قمری پایان یافت (طهرانی، ۱۴۰۳ق: ج ۵، ص ۸۸).

ب) خلف الوعد، رساله مبسوطی است که علامه آقابزرگ تهرانی می‌گوید که آن رساله را به خط مؤلف آن آیت‌الله سید محمد بن فضل‌الله موسوی ساروی معروف به ثقة الإسلام (متوفای ۱۳۴۲ق)، در نجف دیدم (همان: ج ۷، ص ۲۸۰).

ج) الخیمات، علامه آقابزرگ تهرانی می‌گوید که آن کتاب را به خط مؤلف آن در مکتبه شیخ قاسم محیی‌الدین در نجف دیدم. این کتاب از اول خیار حیوان تا آخر خیار تصریه بود. در آغاز این کتاب تمام نسب خود را آورده و می‌گوید که این کتاب از استفاده وی از درس استادش حاج میرزا حبیب‌الله رشتی است. از نگارش این اثر در ۴ رجب ۱۳۱۲، ۲۰ روز پس از درگذشت استادش فراغت یافت. وی آن کتاب را مشارق الأنوار نامید. نسخه‌ای از این کتاب در کتابخانه مجلس موجود است.

د) انوار الاحکام، در ۳ مجلد در فقه استدلالی.

ه) رساله فی سهو الامام و الماموم (همان: ج ۱۲، ص ۲۶۶).

و) انوار الاصول، در ۵ مجلد.

ز) العوالم، در اصول الفقه است که این کتاب تا اواخر مبحث الأوامر (همان: ج ۱۵، ص ۳۵۸) نسخه آن را وقف کرد و تولیت آن را به سید عبدالغفار سپرد و نسخه‌ای از آن نزد شیخ زین‌العابدین سرابی و نسخه دیگر در نزد شیخ قاسم محیی‌الدین بود. از نگارش آن در سال ۱۳۲۱ فراغت یافت. این دومین اثر اصولی او است. اثر دیگری انوار الاصول است.

ح) رساله فی الغصب، وی این کتاب و پاره دیگر از کتب خود را وقف طلاب نجف کرد و تولیت آن را به فرزندش سید مرتضی سپرد (همان: ج ۱۶، ص ۵۷).

ط) رساله فی کثیر السهو (همان: ج ۱۷، ص ۲۸۳).

ی) مشکاة الأنوار، دیوان عربی فی المدائح و المراثی. علامه آقابزرگ تهرانی می‌گوید که پاره‌ای از قصائد آن را در نزد شیخ زین‌العابدین سرابی (متوفای حدود ۱۳۵۶ق) دیدم. این کتاب به چاپ رسید (همان: ج ۲۱، ص ۵۶؛ ج ۲، ص ۴۴۸؛ ج ۹، ص ۱۲۸۹).

ک) انوار الهدی یا دیوان هاشمی به زبان فارسی در مدائح و مناقب و مصائب ائمه هدی (ع) که در سال ۱۳۳۲ چاپ شد (همان).

ل) رساله فی النسب، در باب نسب خاندان سید محمد ساروی مشهور به ثقة الإسلام متوفی سال ۱۳۴۲. این رساله مختصر به خط مؤلف نزد برخی از تلامذ وی یافت شد (همان: ج ۲۴، ص ۱۳۳).  
 م) انوار الاسلام در علم الإمام (ع) (همان: ج ۲، ص ۴۱۴).

ن) کتاب موضح آیات الأحكام فی شرحها.

**میراث قرآنی:** در میان آثار آیت الله سید محمد موسوی ساروی، اثر قرآنی با عنوان «موضح آیات الأحكام فی شرحها» درباره آیات الاحکام به چشم می خورد. استاد هاشم زاده هریسی در مقاله‌ای تحقیقی در باب طبقات مفسران و در عداد مفسران به روش فقهی از تفسیر «مقلاد الرشاد فی شرح آیات الأحكام» اثر محمد بن فضل الله موسوی ساروی (متوفای ۱۳۴۲ق) نام می برد (هاشم زاده، سایت راسخون).

اطلاعات روشنی از این اثر در دست نیست. نویسنده با مراجعه به کتابخانه آیت الله مرعشی در قم به جستجوی متن این اثر برآمده و لکن در آنجا اثری از این کتاب نیافته و برحسب اظهار نظر کارشناسان این فن، نسخه این اثر در نجف موجود است.

نکته قابل دقت آن است که دو شخصیت هم نام در یک عصر به نام آیت الله سید محمد ساروی و ملقب به ثقة الاسلام می زیستند. یکی آیت الله سید محمد بن فضل الله بن خداداد بن رشید بن حمزه موسوی پهنه کلاهی ساروی طبرسی نجفی، ملقب و معروف به ثقة الإسلام صاحب تفسیر آیات الاحکام (متوفای ۱۳۴۲ق) و دیگری آیت الله سید محمد بن اسماعیل موسوی ساروی (متوفای ۱۳۱۰ق) که در دار الضیافه حرم حضرت امام رضا (ع) در مشهد مقدس دفن شد. وی صاحب کتاب مجموعه کشکولیه ذات فوائد جلیله است (طهرانی، ۱۴۰۳ق: ج ۲۰، ص ۱۰۱). در برخی از منابع تراجم، تفکیکی بین این دو نیست و آثار هر یک را در مدخل دیگری آورده اند. لکن برحسب نقل نویسنده، طبقات الفقهاء آیت الله سبحانی، سید محمد بن اسماعیل موسوی ساروی (متوفای ۱۳۱۰ق در مشهد) از شاگردان سید محمد بن فضل الله بن خداداد موسوی (پهنه کلاهی) ساروی نجفی معروف به ثقة الاسلام (متوفای ۱۳۴۲ق در نجف) بود (سبحانی، ۱۴۱۸ق: ج ۱۳، ص ۲۳۲).

برخی از آثارش از کتابخانه عراق به کتابخانه مجمع ذخایر انتقال پیدا کرده و بعضی در عراق مانده است.

برای آشنایی با آثار ایشان به این منابع رجوع شود: سایت مجمع ذخایر اسلامی؛ مجله تراثنا شماره ۱۱۷ - ۱۱۸ - مؤسسه آل البيت (ع) لاحیاء التراث؛ المسلسلات فی الاجازات سید مرعشی.

## ۲-۱۲. محمد صالح بن فضل الله مازندرانی

محمد صالح بن فضل الله بن محمد حسن مازندرانی حائری، معروف به علامه سمنانی در سال ۱۲۹۷ قمری در کربلا متولد شد. اصل وی از بارفروش (بابل) مازندران است که اما به سبب اقامت طولانی اش در سمنان، سمنانی نیز خوانده شده است. ملا محمد صالح از علمای شیعی متبحر در فلسفه مشاء، فقه و اصول، کلام و تفسیر و شعر و ادب در قرن چهاردهم است. پدرش، میرزا فضل الله مجتهد حائری مازندرانی (متوفای ۱۳۰۵ ش) از فقهای امامیه بود که پس از تحصیلات مقدماتی در بارفروش به نجف هجرت کرد. جد محمد صالح، شیخ معین الدین قاسمی از شاگردان علامه مجلسی و از مجتهدان طراز اول عصر خود بود.

محمد صالح حائری مازندرانی در کربلا ادبیات عرب را نزد ملا علی معروف به سیویه و ملا عباس معروف به اخفش و فقه و اصول را نزد پدر و برادر بزرگش، شیخ علی علامه، فراگرفت. در سال ۱۳۱۲ قمری، آخوند خراسانی در سفری به کربلا، در پی آشنایی با حائری به استعدادش پی برد و او را با خود به نجف برد. حائری در نجف، در فقه و اصول از شاگردان خاص آخوند خراسانی شد تا جایی که وی در تدوین نهایی کتاب کفایة الاصول، به یادداشت‌های درسی این شاگرد خود توجه داشت. علامه سمنانی در مجلس درس فقه و اصول میرزا حسین بن حاج میرزا خلیل تهرانی، تنها شاگرد صاحب جواهر که در آن زمان در قید حیات بود، شرکت می‌کرد. وی در علوم عقلی شاگرد حاج ملا اسماعیل بروجردی حائری، از استادان حکمت و ریاضی بود. حائری سیزده سال در نجف به تحصیل و تدریس و تألیف پرداخت و اجازات متعددی در اجتهاد و روایت دریافت نمود.

او در دوران تسلط بیگانگان، با مشاهده اوضاع و احوال، به حکم وظیفه دینی و صنفی، ساکت نشست و به مبارزه با استعمار و استبداد پرداخت. وی در یکی از سخنرانی‌هایش با صراحت گفت: «هر کس با قرآن مخالفت کند کافر است اگرچه رضا خان باشد». این سخنرانی سبب دستگیری وی شد و به مدت نه ماه زندانی و سپس به سمنان تبعید گشت.

محمد صالح حائری مازندرانی در ۲۱ دی ماه ۱۳۴۵ (۱۳۵۰) ش / ۱۳۹۱ ق در سمنان درگذشت و در حرم امام رضا (ع) به خاک سپرده شد.

علامه سمنانی علاوه بر اجازه اجتهاد، دارای اجازه روایت از پدرش شیخ فضل الله حائری مازندرانی و حاج میرزا حسین نوری بود. برخی از عالمانی که از علامه سمنانی اجازه روایت دریافت کرده‌اند، عبارت‌اند از: سید شهاب الدین مرعشی نجفی؛ سید عباس کاشانی و حسین عمادزاده اصفهانی (سبحانی، ۱۴۱۸ ق: ج ۳، ص ۹۳۶؛ ج ۲، ص ۷۳۶؛ باقرزاده، ۱۳۷۷ ش: ج ۱،

ص ۲۵۶؛ شریف‌رازی، ۱۳۵۲ش: ج ۵، ص ۳۳۶؛ مهجوری، ۱۳۵۳ش: ص ۵۶). آثار علامه سمنانی اعم از کتاب و رساله حدود سیصد مجلد با موضوعات فقه، اصول فقه، تفسیر، کلام، منطق، فلسفه، دعا و ادبیات است که از جمله می‌توان به تفسیر سوره حمد، حدید و آیه‌الکرسی اشاره کرد (طهرانی، ۱۴۰۳ق: ج ۲۵، ص ۲۷؛ سبحانی، ۱۴۱۸ق: ج ۱۴، ص ۷۳۶).

### ۲-۱۳. سید حسن بن سید محمد بن اسماعیل موسوی ساروی

آیت‌الله سید حسن بن سید محمد بن اسماعیل موسوی ساروی (متوفای ۱۳۵۱ق)، شخصیتی فاضل که صاحب کتاب التحفة الغروية فی الفوائد القرآنية است و در حدود سال ۱۳۵۱ قمری از دنیا رفت (امین عاملی، ۱۴۰۶ق: ج ۵، ص ۲۴۰؛ طهرانی، ۱۴۰۳ق: ج ۳، ص ۳۵۰). آیت‌الله سید حسن موسوی ساروی کتاب التحفة الغروية را درباره تجوید فارسی برای فرزندش سید محمد در ذی‌القعده سال ۱۳۳۹ قمری تألیف کرد (طهرانی، همان، ص ۴۵۸).

آیت‌الله سید حسن موسوی پهنه کلائی فرزند آیت‌الله سید محمد بن اسماعیل موسوی ساروی است. آیت‌الله سید محمد بن اسماعیل موسوی پهنه کلائی ساروی غروی نجفی از علمای مازندرانی مقیم نجف بود. وی شاگرد علامه سید حسین بن سید محمدرضا بن آیه‌الله بحر العلوم (متوفای ۱۳۰۶ق) بود که از وی نیز اجازه روایت حدیث داشت. این اجازه مختصر، به تاریخ سال ۱۳۰۵ قمری است (امین عاملی، ۱۴۰۶ق: ج ۹، ص ۳۴۱؛ ج ۶، ص ۱۹؛ سبحانی، ۱۴۱۸ق: ج ۱۴، ص ۲۳۲؛ طهرانی، ۱۴۰۳ق: ج ۱، ص ۱۸۴).

علامه آقابزرگ تهرانی می‌نویسد که آیت‌الله سید محمد بن اسماعیل موسوی ساروی در سال ۱۳۱۰ قمری در مشهد مقدس از دنیا رفت (طهرانی، ۱۴۰۳ق: ج ۱، ص ۱۸۴؛ سبحانی، ۱۴۱۸ق: ج ۱۴، ص ۲۳۳).

### ۲-۱۴. ملا سید مهدی بن هادی بن فاضل بن حیدر حسینی ساروی مازندرانی

ملا مهدی بن هادی بن فاضل بن حیدر مازندرانی ساروی بارفروشی در حدود سال ۱۲۹۲ یا ۱۲۹۴ قمری در قریه «گلنشین» واقع در دو فرسخی شمال شهر ساری به دنیا آمد. در سن سه سالگی به همراه پدرش به ساری نقل مکان نمود. او در آن شهر به تعلیم علم پرداخت و رشد و نمو یافت. وی پس از سپری کردن مقدمات علوم دینی در ساری، به عتبات مقدسه عراق هجرت کرد و در ۲۵ محرم سال ۱۳۱۴ وارد کربلا شد و پس از پنج ماه به نجف اشرف نقل مکان کرد و در درس اعلام مدرسین آن حوزه به تعلیم علم اشتغال ورزید. از اساتید وی در نجف شیخ محمد طه بود که کتاب وقف را بروی قرائت کرد. دیگر اساتید وی محمدکاظم خراسانی، فاضل محمد شریبانی، عبدالله بن محمد نصیر مازندرانی، محمدحسن مامقانی، محدث میرزا حسین نوری، محمدحسن شریعتمدار



بارفروشی، آقا رضا همدانی و سید محمدرضا مازندرانی ساروی بودند. وی با جدیت فراوان توانست مراحل علمی را طی کند و حتی در سن ۲۳ سالگی به درجه اجتهاد رسید.

فقیه محدث ملا مهدی مازندرانی ساروی پس از حدود ده سال اقامت در نجف و فراگیری دروس عالی حوزه نجف و پس از اخذ درجه اجتهاد در حوزه علمیه نجف، در سال ۱۳۲۳ به مازندران برگشت و به درخواست اهالی شهر بارفروش (بابل) در آن سامان رحل اقامت گزید و به تألیف و ارشاد، تولیت امور دینی و اجتماعی و قضائی مردم اشتغال ورزید (امین عاملی، ۱۴۰۶ق: ج ۷، ص ۳۲۷؛ سبحانی، ۱۴۱۸ق: ج ۱۴، ص ۸۵۲).

از شیوخ وی در نقل حدیث، می‌توان از اعلام زیرنام برد: حاج میرزا حسین نوری، مولی محمدکاظم آخوند خراسانی، مولی محمد فاضل شریبانی، شیخ عبدالله مازندرانی، حاج آقا رضا همدانی، شیخ محمد طه، سید محمد بن رضا مازندرانی ساروی، شیخ محمدحسن شریعتمدار بارفروشی و شیخ محمدحسن المامقانی.

علامه فقیه و محدث مهدی بن هادی مازندرانی دارای روحیه قوی و نشاط فراوان بود و علاقه خاصی به تألیف علم فقه و حدیث داشت و بالغ برسی اثر در فقه و حدیث و تفسیر تألیف کرد. مصابیح الظلام فی شرح «قواعد الأحكام» علامة الحلی در فقه؛ جامع البرهان فی شرح «إرشاد الأذهان» علامة الحلی در فقه؛ الدلائل الفقهیة فی شرح «الألفية» شهید اول در الصلاة؛ ملزم الفریقین بوجوب المسح علی الرجلین؛ مفتاح الكرامة فی معرفة الطهارة؛ منهج الأqvسد فی حکم شرط الفاسد ضمن العقد؛ هداية الأنام حاشیه بر «خاتمة المستدرک» محدث نوری؛ حاشیه «بحار الأنوار» مجلسی؛ حاشیه «مجمع البیان» طبرسی؛ حاشیه «الصادق» فی التفسیر للفیض الکاشانی؛ حاشیه «أمل الآمل» فی الرجال للحرعاملی؛ حاشیه «منتخب التواریخ» و حاشیه علی «کتاب الألفین» فی الکلام للعلامة الحلی؛ حاشیه بر «أمل الآمل» حرعاملی در علم رجال و ... از زمره آثار او است.

البته گفته شده که وی در ادبیات عرب ضعیف بود و در کتاب‌ها و نوشته‌های وی خطاهای فراوانی وجود دارد! (امین عاملی، ۱۴۰۶ق: ج ۷، ص ۳۲۷؛ سبحانی، ۱۴۱۸ق: ج ۱۴، ص ۸۵۳).

وی پسری به نام سید موسی مازندرانی (متوفای ۱۳۹۹ق) داشت که خود از فقهای اسلامی است. سرانجام آقا سید مهدی بن هادی گلنشین مازندرانی بعد از سال ۱۳۶۱ قمری در سن ۷۰ سالگی چشم از جهان فروبست (امین، ۱۴۰۸ق: ج ۷، ص ۳۲۷؛ امین عاملی، همان؛ سبحانی، همان).

### ۳. جمع بندی و نتیجه گیری

پیشینه تاریخی طبرستان نشان می‌دهد که می‌توان این خطه را از خاستگاه‌های مهم دینی و اندیشه‌ورزی در حوزه علوم اسلامی به شمار آورد. با این وجود بررسی متون نشان می‌دهد که عالمان اسلامی به‌طور عام و از جمله عالمان طبرستانی آن‌گونه که به حدیث و کلام و فلسفه و ... عنایت داشتند، به قرآن، آن استقبال را نشان ندادند! نگارنده در تحقیق حاضر به صدها شخصیت فقیه، اصولی، متکلم، ادیب و عارف برخورد که سطری کار قرآنی در شرح حال آنان رؤیت نشد! به نظر می‌رسد امروزه شهرت شخصیت‌ها تا حدی مرهون رسانه‌ها است و میزان شهرت آنان گاهی با ارزش شخصیت واقعی ایشان همسنگ نیست، ولی در گذشته‌های دورتر شهرت افراد با ارزش واقعی آنان قرابت بیشتری داشت. به‌رحال این ۱۴ شخصیت از جایگاه والایی در مصادراتراجم و رجال شیعی برخوردارند و بررسی کوتاه از حیات این اعلام که در متن مقاله آمد، نشان از وسعت دانش و شخصیت آنان دارد. آنان افزون بر علم تفسیر، در شاخه‌های دیگر علوم خصوصاً فقه، از دانش فوق‌العاده‌ای برخوردار بودند. البته متأسفانه در بین عامه مردم و حتی محققان توجه زیادی به آنان نمی‌شود.

این پژوهش بر اساس منابع معتبر و اصیل تراجم و رجال، چهارده عالم طبرستانی که در عرصه علوم و معارف قرآن قلم‌زده و در میان مردم کمتر مطرح بوده را شناسایی نموده و به وسع و مجال با رعایت اختصار به بیان حیات علمی و تحلیل آثار و روش تفسیری آنان پرداخت. این اعلام گرام، از تراث انسانی و سرمایه‌های معنوی مازندران به شمار می‌آیند و شناخت و شناساندن آنان به هر مقدار، باعث هویت بخشی به فرهنگ و پیشینه مازندران است.

گفتنی است که بسیاری از آثار این شخصیت‌ها که در دانش قرآنی قلم زدند، مخطوط بوده و هیچ‌گاه به چاپ نرسید و برخی هم که چاپ شد امروز در دسترس عموم نیست. تنها تعداد اندکی از این آثار به صورت مکتوب موجود است. از این رو، تحلیل محتوای آثار و به دست آوردن روش کار تفسیری همه آنان میسر نبوده است.

**پیشنهاد و انتظار:** علی‌رغم تلاش صورت گرفته از طریق منابع و کتب فهارس موجود همانند الذریعه، فهرست التراث و ... نیز مراجعه حضوری به کتابخانه آیت الله مرعشی در قم، از سرنوشت نسخه‌های خطی و یا نسخه احتمالی مطبوع بسیاری از این کتب، اطلاعی به دست نیامد. لکن برای یافتن این آثار و اطمینان از سرنوشت آن لازم است از کتابخانه ملی ایران، مخزن کتابخانه آستان قدس رضوی و کتابخانه نسخ خطی نجف تفحص به عمل آید. متأسفانه این امکان برای

نویسنده دست نداد! انتظار می‌رود و پیشنهاد می‌گردد، شخصیت‌های متنفذ، محققان و مدیران علمی دانشگاهی و حوزوی که برای آنان امکان مراجعه به کتابخانه‌های جهان اسلام و دست یافتن به نسخ خطی این اعلام فراهم است، بدان همت نموده و زمینه احیا و طبع این آثار را فراهم سازند.

### فهرست منابع:

۱. ابن حجر عسقلانی، ابوالفضل احمد بن علی، (۱۴۰۶ق)، لسان المیزان، تحقیق: دائره المعارف النظامیه هند، موسسه الأعلمی للمطبوعات، بیروت.
۲. ابن شهر آشوب ساروی مازندرانی، محمد بن علی، (۱۳۸۰ق)، معالم العلماء، منشورات المطبعة الحیدریة، نجف اشرف.
۳. \_\_\_\_\_، (۱۴۱۰ق)، متشابه القرآن و مختلفه، بیدار، قم.
۴. امین، سید حسن، (۱۴۰۸ق)، مستدرکات اعیان الشیعة، دارالتعارف للمطبوعات، بیروت.
۵. امین عاملی، سید محسن، (۱۴۰۶ق)، اعیان الشیعة، دارالتعارف للمطبوعات، بیروت.
۶. ایازی، محمد علی، (۱۳۷۳ش)، المفسرون حیاتهم و منهجهم، وزارت ارشاد، تهران.
۷. باقرزاده بابلی، عبدالرحمن، (۱۳۷۷ش)، آشنایی با فرزندگان بابل در سه قرن اخیر، انتشارات مسجد مقدس محدثین، بابل.
۸. تفرشی، سید مصطفی، (۱۴۱۸ق)، نقد الرجال، مؤسسه آل البيت، لإحياء التراث، قم.
۹. حسینی جلالی، سید محمدحسین، (۱۴۲۲ق)، فهرس التراث، انتشارات دلیل ما، قم.
۱۰. حسینی کارنامی، سید حسین، (۱۳۹۲ش)، فقه القرآن (تفسیر و تحلیل باب ما یحکم علیه الفقهاء من کتاب متشابه القرآن علامه ابن شهر آشوب ساروی مازندرانی)، عصر ماندگار، ساری.
۱۱. حیدری، محمد صادق و ربیع نتاج، سید علی اکبر، (۱۳۹۲ش)، متشابهات قرآن و تفسیر صحیح آن از دیدگاه ابن شهر آشوب مازندرانی، فصلنامه مطالعات تفسیری، سال چهارم، شماره ۱۴، صص ۳۱-۵۰.
۱۲. خرمشاهی، بهاء الدین، (۱۳۷۷ش)، دانشنامه قرآن و قرآن پژوهی، ناهید، تهران.
۱۳. خوانساری، محمدباقر، (بی تا)، روضات الجنات، اسماعیلیان، قم.
۱۴. خویی، سید ابوالقاسم، (۱۴۱۰ق)، معجم رجال الحدیث، آثار شیعه، قم.
۱۵. ربیع نتاج، سید علی اکبر و حیدری، محمدصادق، (۱۳۹۱ش)، گونه‌شناسی مبانی تفسیرنگاری ابن شهر آشوب در متشابه القرآن، پژوهش دینی، شماره ۲۴، انجمن علوم قرآن و حدیث ایران، تهران.
۱۶. سبحانی، جعفر، (۱۴۱۸ق)، موسوعة طبقات الفقهاء، مؤسسه امام صادق (ع)، قم.

۱۷. سیوطی، جلال الدین عبدالرحمن، (بی تا)، *الاتقان فی علوم القرآن*، بی نا، بی جا.
۱۸. شریف رازی، محمد، (۱۳۵۲ش)، *گنجینه دانشمندان*، کتاب فروشی اسلامیة، تهران.
۱۹. شکوری، ابوالفضل، (۱۳۸۸ش)، *درآمدی بر تفسیر واژه ای قرآن*، فصلنامه نامه مفید، شماره ۱، صص ۱۹-۴۴.
۲۰. طهرانی، آقابزرگ، (۱۴۰۳ق)، *الذریعة الی تصانیف الشیعة*، چاپ علی نقی منزوی و احمد منزوی، بیروت.
۲۱. عاملی، محمد بن الحسن، (۱۳۸۵ق)، *أمل الآمل*، مکتبة الأندلس، بغداد.
۲۲. فضایی، حبیب الله، (۱۳۶۲ش)، *اطلس خط*، انتشارات مشعل، اصفهان.
۲۳. قمی، شیخ عباس، (۱۴۱۶ق)، *سفینه البحار*، بنیاد پژوهش های اسلامی آستان قدس رضوی، مشهد.
۲۴. گزی برخواری، عبدالکریم، (۱۳۷۱ق)، *تذکرة القبور*، به کوشش: ناصر، باقری بیدهندی، کتابخانه عمومی حضرت آیت الله العظمی مرعشی نجفی، قم.
۲۵. معرفت، محمدهادی، (بی تا)، *تفسیر و مفسران*، مؤسسه فرهنگی انتشاراتی التمهید، قم.
۲۶. مهجوری، اسماعیل، (۱۳۵۳ش)، *دانشمندان و رجال مازندران*، به کوشش: هدایت الله، مهجوری، تهران.
۲۷. نوری، میرزا حسین، (۱۴۰۸ق)، *مستدرک الوسائل*، مؤسسه آل البيت (ع)، قم.
۲۸. ویکی فقه، *شرح حال محمدعلی هزارجریبی*:  
<http://wikifeqh.ir>
۲۹. هاشم زاده، محمدعلی، *کتاب شناسی احکام قرآن (بر اساس ترتیب قرن) قرن چهاردهم و پس از آن*، سایت راسخون: <https://rasekhoon.net/article/show>